

امام حسین(ع) و آیین‌های عاشورایی از نگاه آنتوان بارا

* مسعود سرحدی

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۵

** عزیزالله سالاری

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۵

چکیده

سوگواری و مرثیت عاشورائیان، ریشه در سنت و سیره آل رسول(ص) داشته، تا در مظلومیت شهیدان‌شان، به نشر فرهنگ خون‌رنگ‌شان بپردازند و مردم را با پیام، مقصود و راه‌شان آشنا سازند. *آنتوان بارا* ادیب و پژوهشگر مسیحی، با جستار پیرامون رخداد بزرگ عاشورا و نگارش کتاب «الحسین فی الفکر المسیحی» خود را یک مسیحی حسینی، عاشورایی و شیعه‌گرا می‌بیند و حسین را وجدان زنده و بیدار همه ادیان تا پایان تاریخ می‌داند. در نگرش او سیر زندگی حسین(ع) شبیه‌ترین آمدن و رفتن نسبت به آغاز تا انجام زندگی مسیح(ع) است. در نگاه او مراسم و شعائر عاشورا، موجب زنده ماندن این خاطره و گرمی و تازگی آن در دل‌ها می‌شود.

کلیدواژگان: حسین(ع)، عاشورا، مرثیه و سوگواری، عیسی(ع)، آنتوان بارا.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امیدیه.

** عضو هیأت علمی دانشگاه صدا و سیما.

مقدمه

مکتب اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع، نه تنها به برهان و عقلانیت و اندیشه، که به نیازهای احساسی و عاطفی آدمیان بهای بسیاری می‌دهد. بی‌گمان هر اندیشه و مسلکی - هرچند اگر در اوج استواری و پرمایگی هم باشد - اگر از احساس و کشش‌های عاطفی و قلبی تهی بماند، توفیق و پیروزی چندانی نخواهد داشت. آیین‌های عزاداری که برآمده از آموزه‌ها و سنت آل علی(ع) است، غنای خاصی به عواطف عالیه بشری و شور و هیجان معنوی و حماسی مشتاقان می‌دهد. این مراسم سوگ، هرگز به معنای خواری و شکست و خسران نیست، بلکه قالبی است از جنس ادب و هنر و تاریخ که با رویکرد مذهبی درآمیخته و شیواترین و رساترین تعظیم و تکریم ممکن را به ارمغان می‌آورد.

مجالس سوگواری، قداست مظلوم و نفرت‌انگیزی ظالم را در دل و دیده سوگواران زنده می‌کند و مدرسه‌ای است با نکوترین و پربارترین دستاورد دینی و معنوی که همتایی برای آن در پندار نمی‌آید. رسم عزاداری، برای تعلیم و گسترش فرهنگ و باورهای بلند قدسی و معنوی و اهداف عالی بشری است. در این مقال، بر آن‌ایم تا حکمت سوگواری و نقش آن در مانایی و جاودانگی اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، به ویژه حسین(ع) و عاشورا را بیان کنیم.

هم‌چنین دیدگاه تطبیقی *آنتوان بارا* نویسنده پراوازه مسیحی را درباره حضرت مسیح(ع) و سید الشهداء و نیز وصف بی‌چون او را در تکریم و تعظیم حسین(ع) و عاشورا به رشته نگارش درآوریم.

حسین(ع) و آیین‌های عاشورایی

«السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتر» (مشکینی، ۱۳۶۲: ۴۲۴)؛ قال الحسن بن علی(ع): «أنا قتيل العبرة لا يدكرني مؤمن إلا استعبر» (امین عاملی، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

نخستین کس که در مدح تو شعری گفت آدم بود شروع عشق و آغاز غزل شاید همان دم بود

نخستین اتفاق تلخ‌تر از تلخ در تاریخ که پشت عرش را خم کرد یک ظهر محرم بود

اگر در کربلا توفان نمی‌شد کس نمی‌فهمید چرا یک عمر پشت ذوالفقار مرتضی خم بود

(قزوه، ۱۳۷۵: ۲۹۶-۲۹۵)

سخن در باب حسین(ع) و آیین‌های عاشورایی، به ویژه عزاداری و مرثیت آل رسول(ص) است که در ثواب و صواب و بایستگی آن، سخنان بسیار رفته است. گرچه اهالی الحاد و حتی پاره‌ای از دین‌باوران، هرگز حکمت سوگواری و گریه و رثای آن خاندان را دریافته‌اند؛ لیک در فرهنگ آیینی مسلمانان، به ویژه شیعیان، عزاداری، سنتی حسنه بوده و در گذار اعتلا و زنده کردن شعائر الله به آن نگریسته می‌شود. این حکمت، برآمده از سنت پیامبر اعظم(ص) و آل او بوده، اثرات روان درمانی، اخلاقی، عاطفی و حماسی دارد. هیچ مکتبی در دنیا- حتی اگر در اوج استواری و عقلانیت هم باشد- بدون بهره‌مندی از ادب و احساس و عواطف عالی، موفق به فتح قله‌های معنویت، عزت و شکوهمندی نخواهد بود. زندگی صرفاً عقلانی، زندگی سرد و بی‌تپش و خالی از عشق و بهجت و لذت روحانی و عرفانی بوده و خلاصه زندگی بدون جاذبه‌ای است.

از این رو برخورداری مکتب اسلام و به ویژه تشیع از آیین‌های سوگواری، به معنای برخورداری از عشق و عاطفه و محبت است که زمینه‌ساز تأثیر و تأثر فرهنگ عزاداری- که همان فرهنگ و اخلاق عاشورایی و حسینی است- خواهد بود. گریه بر مظلوم، پیوندی قلبی و احساسی و ایمانی میان گریه‌کننده و مظلوم برقرار نموده، که ثمره‌اش خشم و بیزارى نسبت به ظالم است. عزاداری حقیقی، صرفاً غم و اندوه و رثا نیست؛ بلکه اصل بر این است که حماسه و مبارزه و تعالی و تخلق به اخلاق حسینی را به ارمغان بیاورد. بهترین زمینه برای نشر فرهنگ عاشورایی، همان بیان هنرمندانه عاشورا و کربلا در قالب مرثیه و آیین‌های سوگواری است؛ آنگونه که از هنرهای ادب و موسیقی مذهبی و غم‌انگیز و ... برخوردار باشیم تا بذر محبت و خرد رحمانی و عرفانی و حماسه به بایسته‌ترین شکل ممکن در دل‌های سوگواران کاشته شود. کدام شیوه آموزشی و پرورشی توان القای آموزه‌ها و اثربخشی آن‌ها را ژرف‌تر و پربرکت‌تر از مدرسه عاشورا دارد؟ مدرسه‌ای که حقایق و حکمت‌های نینوایی را با جاذبه‌های عشق و اشتیاق و هنر مذهبی، با دل و جان و احساس سوگواران درآمیزد؟

از این بابت است که بزرگ وارث حسین(ع) و ابرمرد حکیم و عارفی چون امام خمینی(رض) بر زندگی و بالندگی چنین جریانی پای می‌فشارد و در جمع وعاظ و خطبای مذهبی بیانی چنین دارند: «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته

است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۰۳). نیز می‌فرماید: «کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سیدالشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می‌شود» (همان، ج ۱۸: ۲۲). و این است راز سخن عالمانه‌ای که گفته‌اند: «الاسلامُ محمّدیُّ الحدوثِ وحسینیُّ البقاء». پیدایش اسلام محمدی و بقا و جاودانگی‌اش حسینی است.

عزاداری و فرهنگ حماسی - عرفانی عاشورا

گفتیم که عزاداری، صرفاً رثا و گریه و سینه و زنجیر نیست؛ بلکه بهانه‌ای است برای گردهمایی، اتحاد و زمینه‌سازی به قصد نشر آموزه‌ها و تعالیم بر حق کربلا؛ همایشی است عاطفی، احساسی و عقلانی که با همه جاذبه‌هایش، حماسه، عرفان، اخلاق، مقاومت، صبر، فداکاری، شکوه، کرامت و ستم‌سوزی که همه و همه محصول خیزش و جنبش حسینی است به محبان او می‌آموزد. این سوگواری‌ها، جانمایه بهترین و اثرگذارترین ارتباطات عاشقانه، معنوی و حیاتی است که نه تنها خردورزانه، بلکه اشتیاقی و مهرورزانه است که با دل‌های اهل ایمان، «چون شیر و شکر به هم در آمیخته است». چنین عشقی، حتی با جان هم به در نمی‌رود که حافظ گفته است:

بگشای تربت‌ام را بعد از وفات و بنگر
کز آتش درون‌ام دود از کفن برآید
(حافظ، ۱۳۷۶: ۱۵۸)

و به گفته خواجه عبدالله انصاری:

گر بر سر قبر من گیاهی روید
از هر برگ‌اش بوی وفای تو زند
(انصاری، ۱۳۵۴: ۱۰)

یکی از آسیب‌های عزاداری این است که عزاداران - چه مرثیه‌سرا و چه سینه‌زن و زنجیرزن و ... - فقط با زبان رثا، عاشورای حسین (ع) را بیان کنند. آنچه در این میان شایسته می‌نماید، این حقیقت است که عزای حسینی و پیامدش، فرهنگ و عرفان و حماسه باشد. حسین منزوی در شعر فاخر و ماندگار عاشورایی‌اش می‌گوید:

ای خون اصیلت به شتک‌ها ز غدیران
افشانده شرف‌ها به بلندای دلیران
جاری شده از کرب و بلا آمده و آنگاه
آمیخته با خون سیاووش در ایران
ای جوهر سرداری سرهای بریده
وی اصل نمیرندگی نسل نمیران

حد تو رثا نیست، عزای تو حماسه است ای کاسته شأن تو از این معرکه گیران
(منزوی، ۱۳۷۷: ۱۵۰)

پس باید عزاداری‌ها و مرثیه‌خوانی‌های ما، زاینده حماسه و شکوه و شرف و درس آیین و عزت و آزادگی و رهایی باشد. باید رهاورد سوگواری‌ها، قیام و انقلاب و دلیری باشد؛ نه گریه‌های خالی و بی‌هدف و مراسم صوری و بی‌معنا.

سوگواری عاشورائیان در سنت اهل بیت عصمت(ع)

خاندان عصمت و آل علی(ع) با آنکه قله‌های شکوه و فرهنگ و معنویت بودند، سوگوار حسین(ع) و یاران‌اش بوده، و به برپایی مراسم عزاداری و روضه و گریه سفارش بسیار فرموده‌اند.

گشّی در کتاب «رجال» خود به سند خود از زید شحام چنین روایت می‌کند: «ما جماعتی از اهل کوفه، نزد امام صادق(ع) نشسته بودیم که جعفر بن عقیل بر امام(ع) وارد شد. امام(ع) او را نزدیک خود نشاند و فرمود: ای جعفر... شعری بگو! جعفر شعری [مرثیه‌ای] خواند و امام و کسانی که در مجلس بودند گریستند. سپس امام صادق(ع) فرمود: «هیچ کسی نیست که درباره حسین(ع) شعری بگوید و به واسطه آن خودش گریه کند و یا شخص دیگری را بگریاند، مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد» (امین عاملی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

صادق آل محمد(ص) در باب نشست‌ها و همایش‌های حسینی و مجالس سوگواری سید شهیدان کربلا، به فضیل بن یسار می‌فرماید: «أتجلسون و تتحدّثون؟ قال نعم. فقال(ع): اما انی أحبُّ تلكَ المجالس فأحیوا أمرنا، فان من جلسَ مجلساً یحیی فیهِ أمرنا لم یمت قلبه یوم یموت القلوب» (الموسوی، بی‌تا: ۱۰۰).

آیا در محفل مرثیت و عزای حسین(ع) می‌نشینید و سخن می‌گویید؟ گفتیم: آری. فرمود: اما من این مجالس را دوست دارم. پس امر (سنت) ما را زنده بدارید! زیرا کسی که در این آیین‌ها حضور دارد و سنت ما را زنده می‌کند، دل او- در روزی که دل‌ها می‌میرند- هرگز نخواهد مرد.

امام باقر(ع) در این باره که مجالس سوگواری برای شهیدان کربلا، مایه احیاگری و تبلیغ راه رهایی بخش آنان و خاندان پیامبر(ص) است، چنین می‌فرماید: «فَإِنَّ فِي إِجْتِمَاعِكُمْ وَ مُذَاكَرَاتِكُمْ إِحْيَاؤَنَا وَ خَيْرَ النَّاسِ بَعْدَنَا مَنْ ذَكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَى ذَاكِرِنَا» (همان: ۱۰۰): حقا که زنده شدن ما در گردهمایی شما و ذکرهایتان است و برترین مردم پس از ما، آن کسی است که ما و سنت ما را به یاد آورد و مردم را به سوی اهل بیت(ع) فرا بخواند».

سیر مرثیه و عزاداری

شیعیان بعد از قرن‌ها خفقان و چالش با حاکمان خودکامه و جفاپیشه، در میانه‌های سده چهارم هجری، دولت آل بویه را درک کردند که به ویژه در زمان معزالدوله دیلمی (۳۲۴-۳۵۶ق) و عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ق) به امنیت و آزادی در خور تحسینی برای برپایی مراسم مذهبی و عزاداری سالار شهیدان دست یافتند.

گرچه فرهنگ عزاداری، پیش از حاکمیت دیلمیان در میان خاندان پیامبر(ص) و یاران آنان به شکل محدودی مرسوم بود؛ ولی وسعت یافتن و علنی شدن آن، مستلزم بازشدن فضایی بود که بعدها توسط آل بویه فراهم آمد و آنان بودند که به مذهب تشیع در ایران اسلامی و بخشی از سرزمین عراق رسمیت بخشیدند.

ابن اثیر می‌نویسد: «معزالدوله فرمان داد تا مردم بغداد در دهه اول محرم سیاه بیوشند و بازارها را سیاهپوش کنند و نیز دستور منع طباحی و بستن دکان‌ها و تعطیل عمومی را صادر کرد و مردم را به اقامه عزاداری برای امام حسین(ع) و اهل بیت او فراخواند. برگزاری این گونه مراسم تا اوایل سلطنت طغرل سلجوقی در آن شهر و تا انقراض دولت دیلمیان در تمام کشورهای قلمرو آنان مرسوم بود» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۷).

ادوارد براون در این باره می‌گوید: «معزالدوله، احمد بن بویه در دهه اول محرم امر کرد تمامی بازارهای بغداد را ببندند و مردم لباس عزا بیوشند و به تعزیه سیدالشهدا(ع) بپردازند. چون این قاعده در بغداد رسم نبود، علمای اهل سنت آن را بدعتی بزرگ دانستند و چون بر معزالدوله دستی نداشتند، چاره جز تسلیم نداشتند. بعد از آن، هر

ساله تا انقراض دولت دیالمه، در دهه اول محرم در جمیع بلاد، رسم تعزیه به جا می‌آوردند» (براون، ۱۳۱۶: ۴۰).

برپایی مراسم عزاداری اعم از سینه زنی و زنجیرزنی در قرن‌های هفتم و هشتم، پررنگ‌تر و پرشورتر شد. برای نمونه سیف فرغانی یکی از مرثیه‌های ماندگار خویش را به زبان فارسی سروده است که به چند بیت آن اشاره می‌کنیم:

ای قوم در این عزا بگریید	برکشته کربلا بگریید
با این دل مرده خنده تا چند	امروز در این عزا بگریید
از خون جگر سرشک سازید	بهر دل مصطفی بگریید
در ماتم او خمش مباشید	یا نعره زنید یا بگریید
در گریه به صد زبان بنالید	در پرده به صد نوا بگریید

(فرغانی، ۱۳۴۱: ۱۷۶)

در زمان صفویه که تشیع در ایران قوت و رسمیت بیش‌تری یافت، فرهنگ عزاداری و روضه‌خوانی و تعزیه رونق فزون‌تری به خود گرفت که این جوش و خروش از آن روزگار تاکنون روزافزون بوده و خواهد بود. معروف‌ترین- مرثیه عصر صفویه- که از ژرفای دل برخاسته و بر دل‌های مشتاقان و عزاداران نشسته است، ترکیب‌بند جاودانه محتشم کاشانی (متوفی ۹۹۶ هـ.ق) است که در ماه‌های محرم و صفر، نقش‌بند پارچه‌ها و در و دیوارهای کوچه و بازار و مساجد و تکایا و حسینیه‌ها است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین	بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبر تیره باز دمید از کجا کز او	کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

(درگاهی و ...، ۱۳۷۸: ۴۹)

این سنت مقدس سوگواری و برپایی مراسم ذکر مظلومیت و مصائب اهل بیت(ع)- به ویژه سیدالشهدا و دیگر شهیدان کربلا- در دوران سلسله قاجار هم ادامه یافت. تعزیه و شبیه‌خوانی به شکل چشم‌گیری رواج یافت و شاعران خوش قریحه و پرسوز و گدازی در رثای امام حسین(ع) و خاندان و اصحاب‌اش به سرودن شعر پرداختند. سرایندگانی مانند:

حزین لاهیجی، عمان سامانی، وصال شیرازی، یغمای جندقی، صباحی بیدگلی، تیر تبریزی و دیگر شاعران و مرثیه‌گویان صاحب‌دل.

از روضه‌خوانانی که در این دوران خوش درخشیدند، می‌توان به هنرمندان پرآوازه‌ای چون تاج الواعظین (تاج نیشابوری)، شیخ علی زرگر و حاج میرزا لطف‌الله اصفهانی اشاره کرد که حکایات شنیدنی و جذابی از هنر و درخشش آنان در عرصه موسیقی آیینی و تعزیه نقل می‌کنند.

به هر حال فرهنگ عزاداری و قصه حزن و اندوه مشتاقان اهل بیت (ع) و اشعار و گفتار مرثیه‌گویان و ذاکران و داستان سینه‌زنی و زنجیرزنی شیفتگان عاشورایی و برپایی سنت‌ها و زنده نگه داشتن شعائر مذهبی و بیان مظلومیت و حقانیت سالار شهیدان و ... تا به امروز تداوم خاصی یافته است و همه ساله آگاهانه‌تر و شورمندانه‌تر برگزار خواهد شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که ثمره درخت تناور عاشورای ۶۱ هجری بود، این معرفت و تب و تاب عاشقانه و نیز مفاهیم و اصول برگرفته از واقعه کربلا، حیاتی دوباره گرفت و در زندگی مردم مسلمان این سرزمین عینیت یافت و به ویژه در گذار هشت سال دفاع مقدس به شکل ملموسی مصور و مجسم شد. آری پس از انقلاب اسلامی ایران، حقیقت کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا عینیت یافت.

حسین (ع) و عاشورا در دیدگاه آنتوان بارا

آنتوان بارا ادیب و محقق مسیحی (زاد ۱۹۴۳) از اهالی روستای یبرود در خطه دمشق است که از نونهالی با فرهنگ اسلامی و حماسه کربلا آشنا شد و مذهب تشیع، بخشی از مایه‌های هویت فکری وی را شکل داد؛ تا جایی که خود می‌گوید «دیانت‌ام مسیحی، هویت‌ام مسلمان، زبان‌ام عربی و عشق‌ام تشیع است» (بارا، ۱۳۸۱: ۱۳).

عشق و اشتیاق آنتوان به رویداد عاشورا، او را شیفته آیین تشیع کرده و آنکه به دیانت مسیح پای‌بند است، آشکارا می‌گوید: «تشیع بالاترین درجه حب الهی است. این را نه فقط برای شیعیان، بلکه برای پیروان سایر ادیان هم گفته‌ام. به همین دلیل به من مسیحی شیعه‌گرا می‌گویند» (همان: ۱۴).

این ارادت و شورمندی، مایه نگارش کتابی گران‌مایه با عنوان «الحسین فی الفکر مسیحی» شد که وی آن را نخستین و زیباترین کتاب خویش می‌داند(همان: ۱۳). هم‌چنین بر این نظر است که «پس از گذشت ۳۰ سال البته تا امروز ۴۲ سال از نگارش و تألیف این کتاب، من هم‌چنان از کاری که کرده‌ام شگفت‌زده‌ام. یقین دارم که مشمول برکات و عنایات ابا عبدالله(ع) بوده‌ام و این عنایات و ره‌توشه و سرچشمه شکیبایی، استقامت و دست و پنجه نرم کردن من با دشواری‌های این راه بوده است.»(همان: ۱۵).

پولس سلامه - ادیب و شاعر بلندآوازه لبنانی - یکی از سرمشق‌های آنتوان بارا در رهگذار شیعه‌گری اوست. سلامه خود را یک مسیحی علوی می‌دانست و بارا خود را یک مسیحی حسینی و عاشورایی: «پیش از من پولس سلامه - آن شاعر بزرگ مسیحی هم همین معنا را در قالب شعر معروف خودش که بیانگر احساس یک مسیحی است، بیان داشته است؛ با این مضمون که حق در جهان یک مسیحی طنین افکند؛ تا جایی که از فرط محبت‌اش یک علوی (دوست دار علی) محسوب شد»(همان: ۱۵).

آنتوان حماسه منظوم پولس سلامه شاعر بی‌نظیر مسیحی - را از زیباترین اشعار رثایی درباره/امام خمینی(ره) می‌نویسد: «از زیباترین مرثیه‌های ارزشمند حسین(ع) در عصر حاضر حماسه منظوم بزرگی است که پولس سلامه شاعر بی‌نظیر مسیحی آن را سروده است. این حماسه بزرگ و معروف به «عید الغدیر» مشتمل بر ۳۰۰۰ بیت است. شاعر آن را در دل تاریکی سروده و قطرات اشک‌اش به همراه تک تک کلمات جاری بوده است و وقتی از علت گریه‌اش از او سؤال می‌شد، در پاسخ می‌گفت: «حماسه کربلا حماسه ذاتی من به عنوان یک انسان است»(همان: ۲۶۹).

البته سروده‌های شاعران شیعی و محب آل علی(ع) مانند فرزدق(بارا، همان: ۲۷۰)، دیک الجن حمصی(همان: ۲۶۴)، دعبل خزاعی(همان: ۲۶۵)، سید حمیری(همان: ۲۶۴) و نیز اشعار سرایندهگان سنی مذهب و شیعه دوست چون علامه اقبال لاهوری(همان: ۲۶۹) و علامه عبدالله علایی(همان: ۲۶۸) تأثیر ژرفی در کشش به سمت سید الشهداء و عاشورائیان داشته است؛ اما اثرگذاری شخصیت، اشعار و رویکرد عاشورایی پولس سلامه به خاطر هم‌کیش بودن‌اش با آنتوان، فزون‌تر می‌نماید.

حسین(ع) از دیدگاه حضرت عیسی(ع)

آنتوان بار می‌گوید: «بعضی از منابع تاریخی ذکر کرده‌اند که عیسی بن مریم(ع) هنگامی که از سرزمین کربلا عبور کرد در قتلگاه طف توقف نمود و قاتلان حسین(ع) و کسانی که خون پاک‌اش را در آن زمین ریختند، لعن و نفرین کرد»(همان: ۲۴۲).

او می‌گوید: «مسیح قاتلان حسین را نفرین کرده و به بنی اسرائیل دستور داده تا آنان را نفرین نماید و فرمود: هر آن کس که آن روزگاران را دریابد، به یاری او برخیزد؛ زیرا همانند شهیدی است که از روی اختیار در رکاب انبیاء بوده است، گویی آن بقعه را می‌بینم. هیچ پیامبری نبوده مگر این که آن را زیارت کرده است و گفت: تو بقعه پرخیز و برکتی هستی که در آن ماه تابان دفن می‌گردد»(همان: ۲۴۱).

آنتوان در تکمیل تجلیل مسیح(ع) از امام خمینی آورده است: «در آن صحیفه‌ای که عیسی خبر از آمدن حسین داد و و یحیی خبر از آمدن مسیح، سخنی واضح و پیشگویی مشخص به آن دو الهام شده بود. عیسی(ع) بر آن اساس فرمود: بعد از من کسی خواهد آمد که من شایستگی بازکردن بند کفش‌هایش را ندارم»(همان: ۲۴۳).

بار حسین را از جنبه‌های گوناگون(کودکی، بیان، مظلومیت یاران، فداکاری، تشنگی هنگام شهادت و ...)، شبیه‌ترین شخصیت به مسیح(ع) می‌داند(نک: همان ۶۰-۵۸).

پس «از میان شهدا حسین بیش از همه به عیسی نزدیک است و ماهیت شهادت‌اش بیش از هر شهادتی دیگر به جوهره شهادت عیسی شبیه است. با شهادت او سلسله شهادت‌های بزرگ و تحول ساز در مسیر عقاید بشر و تحول ادیان به پایان رسید»(همان: ۲۵۶).

با این نگاه، اندیشمندان دین‌مدار مسیحی مانند *بولس سلامه*، *جرج جرداق*، *جبران خلیل جبران*، *سلیمان کتانی* و *آنتوان بار*، درک و دریافت عیسی‌گون و مسیح‌وش از حسین دارند و او را تا سرحد پیامبران و در پاره‌ای جنبه‌ها فراتر از آنان تقدیس می‌کنند. *آنتوان* در این باره بیانی چنین دارد: «پس از اندیشه مسیحی که برخاسته از درخت فکری انسانی است، چگونه به حماسه شهادت‌طلبانه و فداکارانه حسین نگاه می‌کند؟ اندیشه‌ای که بر پایه دو رکن شهادت‌طلبی و فداکاری، آن هم به گستره انسانیت استوار است؟ قیام فداکارانه عیسی و حسین(علیهما السلام) تشابه و نزدیکی بسیاری با هم

دارند؛ اگرچه تفاوت‌های آشکاری در علل و کیفیت آن وجود دارد ولیکن جوهره و اهداف آن‌ها با هم تفاوتی ندارند. شباهت بین عیسی و حسین(علیهما السلام) در تولد و سیره زندگی آن دو تجلی نموده است. گفته می‌شود: هیچ مولودی شش ماهه به دنیا نیامده که زنده مانده باشد؛ مگر حسین و عیسی بن مریم»(همان: ۵۸-۵۷).

در تبیین وصف «سیدالشهدا» برای امام حسین، شیعیان بر این باورند که حضرت حمزه، سیدالشهدای عصر خویش بود؛ اما امام حسین(ع) سیدالشهدای همه روزگاران است. بارا در این باب معتقد است: «حسین(ع) با شهادت خود بر همه شهادت‌ها که بزرگان ادیان دیگر و شهیدانی از قبیل زکریا، یحیی و حتی مسیح(ع) محقق ساخته بودند، پیشی گرفت. او امام حق و سرور شهیدان حق بود»(همان: ۲۷۶).

چنین سخن بشکوه و سنجیده‌ای را «مادام انگلیسی» طی مقاله‌ای در دایرة المعارف قرن نوزدهم فرانسه، تحت عنوان سه شهید گفته است. چکیده آن را بنگرید:

«سه نفر در تاریخ بشریت برای اعتلاء کلمه حق جانبازی و فداکاری نمودند که از سایرین فداکاران و جانبازان گوی سبقت ربودند. اول: سقراط حکیم یونانی در آتن، دوم: حضرت عیسی بن مریم در فلسطین (البته این خلاف عقیده ما مسلمانان است؛ زیرا بنا به تصریح آیه ۱۵۶ سوره نساء حضرت مسیح را نکشتند و به دار نزدند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد)، سوم: حضرت حسین فرزندزاده حضرت محمد(ص) پیغمبر مسلمانان. هرگاه به تاریخ حالات و چگونگی شهادت و جانبازی و فداکاری حضرت حسین(ع) بنگریم، از آن دو نفر(سقراط و عیسی) قوی‌تر و مهم‌تر بوده است. به همین جهت ملقب به سیدالشهداء گردید»(محسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

سرانجام آنتوان، انقلاب و شهادت حسین(ع) را با ژرفا و گستره‌ای فراتر و فزون‌تر از دیگر شخصیت‌های فرازمند دینی می‌نگرد و از سر رادی و راستی می‌گوید:

«مردی که زندگی‌اش را نذر شهادت کرد و با تمام قدرت، خود و کسان‌اش را فدای عقیده نمود؛ شهیدی که معنی صحیح و تفسیر واضحی از فداکاری پیامبران و رسولان را با آهنگ انقلابی بیان کرد. سرور همه شهیدان که شهادت‌های همه ادیان را کامل کرد و همه قوانین ستم و تحریف را از بین برد. این چنین شهیدی که هر مسیحی را به یاد پیامبرش می‌اندازد و این چنین معلم انقلابی که به خاطر حق قیام کرد، شایسته است

که در دل و درون هر مسیحی جای داشته باشد. و شایسته است که مسیحیان را شهیدی از آن خود بدانند و همان‌گونه که مسلمانان او را از خود می‌دانند، دیگران نیز از هر دینی که باشند او را از آن خود بدانند. شهادت او نزدیک‌ترین شهادت‌ها به روح و حقیقت مسیحیت است و انقلاب او با مضامین و اهدافش نزدیک‌ترین انقلاب‌ها به محتوای پیام مسیح(ع) و پیامبر بشارت‌دهنده و نجات‌دهنده ستم‌دیدگان است. او در شهادت‌اش به خاطر حق شهید مسیحیتی محسوب می‌شود که فقط از حق خالص بدون هیچ‌گونه تعصب ملی، قومی، قبیله‌ای و نژادی جانب‌داری می‌کند»(همان: ۶۹-۷۰).

آیین‌ها و شعائر عاشورایی

آنتوان درباره زینب(س) معتقد است: «فریادش تبدیل به مناره‌ای بلند برای نوع بشر در هر زمان و مکان با هر عقیده‌ای گردید»(همان: ۵۳). او از کشیشی مسیحی نقل می‌کند که «اگر حسین از ما بود، در هر سرزمین پرچمی به نام او برافراشته بودیم و در هر روستایی برایش منبری بر پا می‌کردیم، تا مردم را به نام حسین(ع) به مسیحیت دعوت نماییم»(همان: ۵۸).

با این نگرش آیین‌های سوگواری، انتشار فرهنگ حسینی و عاشورایی است؛ کناررفتن پرده‌های رنگ و ریا و رسوایی سنان و ستم است؛ جانمایه‌های خیزش‌ها و حماسه‌ها با تکیه بر آن رخداد خدایی و خون‌رنگ است؛ زیرا انقلاب حسین(ع) «انقلابی است که سوزان و پرحرارت شروع شد و تا زمانی که بر روی این سیاره، ستم و حکومت فساد و وجود دارد سوزان باقی خواهد ماند. انقلابی است که هرگز سرد نخواهد شد؛ بلکه همیشه در جوشش دائم است؛ به ویژه در این روزگار که زمانه ستم، فشار و ترساندن ملت‌ها است؛ روزگاری است که آزادی‌ها نابود شده و آشکار عقاید و ادیان را به تمسخر می‌گیرند»(همان: ۵۷).

پس زینب‌ده و سزاست که جهان انسانیت و امدار قیام عاشورا و متکی به آن واقعه یگانه و بی‌مانند باشد: «ستم‌دیدگان، شکست‌خورده‌گان و بینوایان از هر آیین و مذهبی و در هر مکانی با تمام وجود به حقیقت قیام حسین(ع) روی آورده‌اند؛ با این رویکرد فطری‌شان، به سرچشمه کرامت، انصاف، عدالت و امنیت وارد شده‌اند»(همان: ۵۷).

نام و یاد حسین(ع) و عاشورا، بنیاد ستم را بر باد می‌دهد: «ماربین حکیم و خاورشناس آلمان؛ کشتن حسین به دست یزید را بزرگ‌ترین اشتباه سیاسی بنی امیه می‌داند که آنان را به فراموشی سپرد و هیچ اثری از آنان باقی نگذاشت»(همان: ۲۳۱). همان‌گونه که خود حسین(ع) فرموده بود: «به خدا سوگند بعد از من زنده نخواهید ماند مگر به اندازه سوارشدن بر اسبی، آسیاب حوادث بر شما خواهد چرخید و چون دسته سنگ آسیاب شما را می‌چرخاند»(همان: ۲۴۰).

آیین‌های عاشورایی و یا سخنان و سیره عملی حسین بن علی(ع) و یاران‌اش از مدینه تا کربلا، درس‌هایی فاخر و گران‌بها برای تعلیم و تربیت انسان‌هایی راستین، رها و متعالی است که تا همیشه تاریخ برقرار و پایدار بوده و جوشش خون‌های آنان با دل و اندیشه پیروان‌اش، کاری می‌کند کارستان: «یک نگاه به میلیون‌ها انسان مؤمنی که قبر حسین(ع) و قبور آل‌البیت، را در هر مکانی زیارت می‌کنند، کافی است که این اندیشه را تقویت نماید که قدرت عقیده با دل‌های مؤمنان عجین شده است و همه آنان دوست دارند تا زمانی که مؤمن هستند و راه‌شان مستقیم است، سوز و گداز و قتل حسین هیچ‌گاه در دل‌های‌شان سرد نگردد»(همان: ۲۵۴).

بر این بنیان، آیین‌های عاشورایی برای زنده نگه داشتن نام حسین بن علی(ع) سالار شهیدان و ناموران بیابان کربلا و نشر راه و رسم و آموزه‌های پرشگفت و قدسی آنان بر پا می‌شود.

آنتوان می‌گوید: «به نظر من شعائر و مجالس حسینی، فراخوان غیرارادی انسان‌هاست که مستقیماً پس از کشته شدن حسین(ع) آغاز شد تا با یادآوری این فاجعه، آن را در قلب‌ها تازه و در سینه‌ها گرم نگه دارد. لذا این واقعه، به رغم گذشت قرن‌های متمادی، نه مرده و نه خشک و سرد شده است. مراسم و شعائر عاشورا موجب زنده‌شدن این خاطره می‌شود. خاطره پیروزی حق با وجود ضعف امکانات خاطره نابودی و شکست ظلم، با وجود قدرت و وسایل و ابزار و نفرات. بنابراین بایستی این شعائر و آداب و رسوم را حفظ و نگهداری کرد و به معتقدانی که دل‌های‌شان شور و حرارت کربلا را حس نکرده است، توجهی نشان نداد»(بارا، ۱۳۸۱: ۱۶).

امروز غیرمسلمانان، به ویژه مسیحیان ایران زمین، نام و یاد آنان را گرامی می‌دارند و با شرکت در مراسم سوگواری با لباس عزا و گوش فرا دادن به شرح آن ماجرای ماندگار از زبان واعظان و مداحان، و دل سپردن به محبت حسینی و انجام نذر و نیاز، با شیعیان هم‌دل و هم‌نوا می‌شوند و گویی به قول *آنتوان*، حسین(ع) را شهید اسلام و مسیحیت و یهودیت و همه ادیان و دیگر عقاید انسانی به حساب می‌آورند» (همان: ۵۷).

آنتوان بارا، از حسین بن علی(ع) با اوصاف و القاب سیدالشهدا، سرور جوانان بهشت، مظلوم‌ترین گل خوشبوی پیامبر(ص)، زره مقاوم اسلام و گوهر جاودانه ادیان یاد می‌کند(نک، همان، ۲۷۹-۲۷۶)؛ اما بر نام و یاد او به عنوان گوهر حقیقی و یگانه ادیان تا قیامت» (همان: ۲۸۰ و ۲۸۱) و نیز وجدان تمام ادیان تا پایان تاریخ» (بارا؛ ۱۳۸۱: ۱۵) بیش‌تر پای می‌فشارد. او آیین‌ها و شعائر و مجالس حسین را فراخوان غیر ارادی وجدان‌ها می‌خواند(همان: ۱۴).

عاشورا و انقلاب اسلامی ایران

آنتوان نهضت عاشورا را سلسله جنبان نهضت‌ها و انقلاب‌های اسلامی و شیعی می‌داند؛ نهضتی که در اعماق فطرت، همت و غیرت بشری ریشه دارد. حسین با آن انقلاب پاک و خدایی‌اش درس تسلیم‌نشدن و نیاسودن را در برابر ستم پیشگان و شمرآلودگان به جهان بشریت و مشتاقان حق و حقیقت داد. *آنتوان* می‌گوید: «اصول حسین برای هر ستمدیده، انقلابی و حق‌طلبی بر روی زمین با هر عقیده و آیین و زبانی، قانونی اساسی گردید» (بارا، ۱۳۸۲: ۲۴۰).

او بر این اعتقاد است که «قیام حسین(ع) در تاریخ انسانیت از آغاز تا ابد، بهترین، سرآمد، یگانه و بی‌نظیر است و به جاودانگی انسانی که به خاطر آن قیام کرده، جاودانه و همیشگی خواهد بود» (همان: ۴۸).

آنتوان بارا در سال ۱۳۸۱ طی گفت‌وگویی با «کیهان فرهنگی» در ایران گفت: «دو واژه عاشورا و کربلا، نماد عزت نفس و آزادی و ظلم ستیزی است. ملت‌های بی‌شماری در نهضت و گفتمان سیاسی و بیانی خود، از این نماد الهام گرفته‌اند» (بارا؛ ۱۳۸۱: ۱۷).

او با ریشه داشتن انقلاب اسلامی ایران در انقلاب کربلا می‌گوید: «قدرت نهفته در عاشورا، نسل در پی نسل در جان‌ها و دل‌ها نفوذ کرد و انقلاب اسلامی ایران با انوار و آموزه‌های کربلا به راه خود ادامه می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته از انقلاب بزرگ کربلاست و من آرزو می‌کنم که این سرزمین کهن، همواره چون گذشته، در فضای عزت و افتخار حسینی به سر برد» (همان: ۱۷).

نتیجه بحث

اندیشه‌ها و احساس و عواطف *آنتوان بارا* ادیب و نویسنده عرب و مسیحی در کتاب «الحسین فی الفكر المسيحي» و هم‌چنین نوشته و گفت‌وگوهای مطبوعاتی‌اش، از تطبیق و وفاق او و آثارش با مکتب تشیع و حماسه عاشورا حکایت می‌کند.

وی حسین(ع) و رخدادهای زندگی‌اش از کودکی تا شهادت را با سیر زندگی حضرت عیسی(ع) وفق می‌دهد، و بر این باور است که دین اسلام در آغاز، محمدی و در ادامه تا سرانجام، حسینی است. او افزوده بر این، سخن بکر و شیوایی دارد؛ اینگونه که واقعه کربلا در حدوث و پیدایش حسینی است و در بقاء و تداوم زینبی است. *آنتوان* معتقد است که جوشش خون سیدالشهدا و یاران‌اش جانمایه انقلابی است که تا همیشه پر تپش و پاینده است. شعائر و پیام‌های عاشورا را در قالب‌های گوناگونی چون خطابه و مرثیه و روشنگری و تعلیم و تربیت بیان کردن، کار و رسالتی زینبی است؛ که بایستگی‌اش به ویژه در این روزگار بیش‌تر احساس می‌شود. *آنتوان* نقش و حماسه حسین(ع) را بر فراز تاریخ بشریت می‌بیند و او را شهید اسلام و مسیحیت و یهودیت و همه ادیان و دیگر باورهای بشری به شمار می‌آورد.

وی واژه‌های عاشورا و کربلا را دو نماد عزت نفس و آزادگی و ظلم‌ستیزی می‌داند و حسین(ع) را وجدان زنده و گوهر یگانه ادیان تا پایان تاریخ می‌بیند، که نسل در نسل در جان‌ها و دل‌ها نفوذ می‌کند و انقلاب اسلامی ایران با انوار و آموزه‌های کربلایی‌اش تداوم‌بخش آن است.

کتابنامه

- امین عاملی، سید محسن. ۱۳۸۹، **إقناع اللائم**، ترجمه علی زهرا، قم: نشر حبیب.
- بارا، آنتوان. ۱۳۸۹، **الحسین فی الفكر المسيحي**، ترجمه دکتر علی باقر طاهری نیا و دکتر فرامرز میرزایی، همدان: انتشارات دانشگاه ابو علی سینا.
- براون، ادوارد. ۱۳۱۶، **تاریخ ادبیات ایران**، جلد ۴، ترجمه رشید یاسمی، تهران: بی نا.
- درگاهی، حسین و ... ۱۳۷۸، **شورش در خلق عالم**، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صحتی سردودی، محمد. ۱۳۹۰، **امام حسین (ع) و عاشورا**، جلد اول، قم: انتشارات پرتو خورشید.
- الصدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی. بی تا، **الأمالی**، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- الصدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی. بی تا، **عیون أخبار الرضا**، تهران: انتشارات العالم.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، جلد‌های ۴۴ و ۹۸، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محدث نوری. ۱۳۶۴، **لؤلؤ و مرجان**، تهران: انتشارات فراهانی.
- مشکینی اردبیلی، علی. ۱۳۶۲، **مصباح المنیر**، قم: انتشارات یاسر.
- منزوی، حسین. ۱۳۷۷، **از کهربا و کافور**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- الموسوی المرقم، السید عبدالرزاق. بی تا، **مقتل الحسین**، بیروت: دار الکتب الاسلامی.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۳، **تبیان**، دفتر سوم.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۸، **صحیفه نور**، جلد‌های ۳، ۱۵ و ۱۸.

مقالات

- بارا، آنتوان. ۱۳۸۱، «**من یک مسیحی شیعه‌گرا هستم**»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۷، تهران.